

قانون اساسی کشورهای متحده امریکا

قانون اساسی ایالات متحده امریکا سند اصلی حکومت دموکراسی آن کشور بشمار میرود - این قانون قدیمترین قانون اساسی دنیاست و بمنزله سرمشقی است برای تدوین قانون اساسی در کشورهای دیگر .

قانون اساسی امریکا بنا به اصل حکومت ملت بر ملت تدوین شده است . بموجب این قانون لوایحی که کنگره امریکا تصویب می کند بالاتر از هر شخص و هر مقام و یا جمعیتی بوده و هیچ قدرتی حتی شخص رئیس جمهوری هم نمی تواند فرمان یا حکمی صادر کند که مفاد آن مخالف با قوانینی که از طرف نمایندگان ملت تصویب شده است باشد . علاوه بر آن خود کنگره یا شوراهای ایالتی هم نمی توانند قانونی وضع کنند که مخالف با اصول قانون اساسی بوده و از حدود اختیارات آنها بیرون باشد .

غالباً دیوان عالی یا سایر محاکم مرکزی از لحاظ نظارت قوه قضائیه بر مقننه قوانینی که از طرف کنگره یا مجالس محلی وضع شده باستناد آنکه مخالف روح قانون اساسی است رد کرده و رأی به بطلان آن داده اند .

قانون اساسی اختیارات حکومت متحده را محدود کرده و آنچه که از صلاحیت حکومت متحده خارج باشد از مواردی است که مجالس محلی یا خود مردم در آن باب حق اخذ تصمیم دارند . علاوه بر آن قبلاً بموجب اعلامیه استقلال این حق برای کلیه افراد ملت شناخته شده که هر وقت بخواهند سیستم حکومت خود را تغییر دهند .

بموجب قانون اساسی ملت عبارت از افرادی است که در کشورهای متحده امریکا ساکن بوده و قانوناً می توانند در انتخابات شرکت نمایند .

حق رأی دادن برای عموم افراد ملت بدون هیچ امتیازی از قبیل اختلافات مذهبی و نژادی و رنگی شناخته شده است .

اینک قریب یکقرن ونیم می شود که قانون اساسی این کشور توسط افراد ملت که آزاد بوده و حاکم بر سرنوشت خود می باشند برای اداره امور خود وضع و بمورد اجرا گذاشته شده و در این مدت تغییری در آن راه نیافته است، این قانون بامقدمه که در آن اصل حکومت بوسیله خود ملت تصریح شده است شروع می شود.

مقدمه قانون اساسی

ما مردمان کشور های متحده برای تشکیل دادن اتحاد کامل و برقراری عدالت و تأمین آسایش داخلی و تهیه وسائل دفاع ملی و انجام امور عام المنفعه و حفظ آزادی برای خود و نسلهای آینده این قانون اساسی را برای کشور های متحده امریکا برقرار کردیم. پس از این مقدمه سازمان سیاسی که عبارت از اداره ریاست جمهور تعیین حدود صلاحیت سه قوه اصلی مقننه و قضائیه و مجریه می باشد شروع شده و پیش بینی های لازم برای تغییراتی که بعداً بر حسب مقتضیات و مصالح ملی باید در قانون اساسی حاصل شود در نظر گرفته شده است لیکن این تغییرات نباید طوری باشد که نظم عمومی را بهم زده و تولید جدال و اغتشاش نماید.

اولین ده ماده که به قانون اساسی الحاق شده و بنام لایحه حقوق موسوم شده است تضمین بیشتری برای رعایت حقوق و آزادی های فردی می باشد.

حکومت کشور های متحده حکومت مطلق مرکزی نبوده بلکه حکومت فدرال می باشد که قدرت و مسئولیت بین يك حکومت مرکزی و ۴۸ حکومت محلی ایالات تقسیم شده است بعضی از قدرت ها مخصوص حکومت مرکزی و بقیه در حدود صلاحیت حکومت های محلی هر يك از ایالات می باشد. حکومت های محلی ایالات با سازمانی مشابه حکومت مرکزی قدرت وسیعی در قلمرو خود دارا هستند و قدرت و نفوذ حکومت ملی برای رفع احتیاجات کلی و عمومی بکار میرود.

حدود اختیارات و قدرت حکومت ملی

حکومت ملی یا مرکزی کشور های متحده در امور ذیل دارای صلاحیت و اختیار می باشد: جمع آوری قشون گرفتن مالیات پرداخت قروض و فراهم آوردن وسائل احتیاجات

دفاع ملی و مصالح عمومی کشورهای متحده . کنترل سیستم پولی . تنظیم روابط بازرگانی داخلی و خارجی . همچنین برقراری روابط سیاسی با کلیه دول و کشورهای بیگانه . حق اعلان جنگ و عقد صلح تقسیم مناطق و الحاق ایالات جدید با کشورهای دیگر به کشورهای متحده .

کنگره کشورهای متحده صلاحیت وضع کلیه قوانین لازمه برای اجرای موادیکه فوقاً ذکر شد دارا می باشد .

اختیارات قوهٔ تقنینیه کشورهای متحدهٔ امریکا با تاریخ این کشور رابطهٔ بزرگی داشته است . همیشه منافع عمومی ملت بر منافع خصوصی افراد یا جماعات ترجیح داده شده و بهمین جهت وحدت ملی بین این ۴۸ ایالت تا کنون حفظ گردیده است .

دیوان عالی کشور های متحده با حق نظارتی که بر قوانین دارد همیشه قوانینی را که از طرف کنگره تصویب می شود کاملاً مورد مذاقه قرار میدهد که با قانون اساسی منافاتی نداشته باشد و هرگاه قانونی مغایرت با قانون اساسی داشته باشد محکوم به بطلان می نماید حکومت جمهوری آزاد در کشورهای متحده به آسانی برقرار نشده و برای حصول آن کوشش های بسیار بکار برده شده است تا مستعمرات توانستند خود را از قید تسلط دولت انگلیس آزاد سازند .

کسانی که از کشورهای دیگر برخلاف امریکا آمده بودند عموماً از وضع حکومت خود ناراضی بوده آرزو مند بودند با ورود به سرزمین جدید از نعمت آزادی بهره مند شوند ، لیکن در آنجا هم مدت ۱۰۰ سال تحت رژیم حکومت مستعمراتی انگلیس بسر برده تا اینکه توانستند ندای آزادی را در دنیای جدید بلند کنند .

قبل از قبول و تصویب قانون اساسی ۱۳ کشور از کشورهای متحده بوسیلهٔ عقد اتحاد تشکیل کنفدراسیونی داده ، و موادیکه در قرارداد فیما بین قبول کرده بودند طوری تنظیم شده بود که با این عقد اتفاق هر يك از دول جزء دارای اختیارات کامل بوده و حکومت ملی فاقد قدرت و اختیار بود .

اولین شکل حکومت ملی در سال ۱۷۸۷

بزودی بزرگان کشورهای متحده پی باشتباه خود برده و فهمیدند برای بقای دائمی آزادی کشور خود محتاج به حکومت مرکزی مقتدري می باشند در ۱۷۸۷ نمایندگان ۱۲ کشور در فیلادلفیا جمع شدند (از طرف رود آیلند نماینده نیامده بود) و غرض از این اجتماع تقویت مواد پیمان اتحاد بود . بالاخره پس از مذاکرات مفصل قرار شد هر يك از کشورهای متحده دارای يك رای در مجمع عمومی بوده و ژرژ واشنگتن به سمت ریاست جمعیت انتخاب گردید . ۵۵ نفر نماینده که در این کنگره جمع شده بودند غالباً کسانی از طبقه متوسط بوده لیکن به مصالح و احتیاجات مردم کاملاً بصیرت داشتند . ژرژ واشنگتن و بنیامین فرانکلن بمنزله روح این جمعیت بشمار میرفتند .

نمایندگان کشورهای دیگر خصوصاً الکساندر هامیلتن نماینده نیویورک عقیده راسخی برای تشکیل حکومت مرکزی داشتند لیکن نمایندگان کشورهای کوچک از قبیل نیوجرسی ، ماریلند ، دلاواری و غیره میخواستند بهر وسیله شده تساوی خود را در قبال سایرین حفظ کنند . منافع کشاورزی ایالات ویرجینیا ، و کارولینای جنوبی ، با منافع تجارتنی ماساچوست ، و پن سیلوانیا ، تصادم میکرد . هر نماینده با کمال جدیت میخواست منافع کشور خود را حفظ کند و برای تأمین آن بیشتر به منافع شغل مردمان آن ایالت ، راه زندگی ، و طریق حکومت مردم خودش می اندیشند . ایالات کوچک همیشه از آن می ترسیدند که تحت نفوذ و تسلط ایالات بزرگ واقع شوند .

احساس لزوم يك حکومت متحده مرکزی

در عین اینکه نمایندگان ایالات منافع مختلف محلی هر ایالت را از دست ندادند ملتفت شدند که برای بقاء موجودیت خود باید يك اتحاد دائمی و قطعی تشکیل داده و از رقابت و هم چسبی دوری نمایند بعلاوه فهمیدند که هر يك از ایالات به تنهایی قادر به حفظ آزادی خود و حمایت بازرگانی خارجی و دفاع در مقابل حملات بیگانه حتی ایجاد طرق و شوارع بری و حمل و نقل بحری و شطی نیست .

در باطن و نفس الامر کلیه ایالات دارای احتیاجات مشابه بوده و در عین حال علاقه شدیدی به حفظ حکومت داخلی و حقوق فردی خود داشتند. بالاخره لزوم اتخاذ فرمول و طریقه واحدی را جهت حفاظت حقوق داخلی و خارجی خود شناختند. همان حقوق و آزادی را که با آن همه فداکاری برای حصول آن جنگیده بودند.

اختلاف بین ایالات بزرگ و کوچک بدین طریق حل شد، که کنگره این ملت و دولت جدید دارای دو مجلس باشد، یکی سنا که هر یک از ایالات متحده اعم از کوچک و بزرگ دارای دو نماینده در آن بوده و دیگری مجلس مبعوثان که عده نمایندگان منتخبه آن بر حسب تعداد نفوس باشد.

بنا بر اصرار نمایندگان ایالات بزرگ مقرر شده که کلیه قوانین مالی ابتدا باید در مجلس نمایندگان مطرح و تصویب شود.

تجارت بین ایالات آزاد بوده، و حقوق گمرکی که به کالاهای صادراتی بسته شده لغو شود. عهد نامه منعقد شده با کشورهای بیگانه فقط به تصویب مجلس سنا برسد. غیر از قوانین مالی که ابتدا باید در مجلس مبعوثان تصویب شود. هر دو مجلس دارای تساوی حقوق بوده و هر لایحه و طرحی ممکن است در هر یک از آنها اول مطرح شده و بعد به مجلس دیگر برود. کلیه قوانین پس از تصویب مجلسین باید برای امضاء نزد رئیس جمهور فرستاده شود. رئیس جمهور هم با امضاء کرده و یا از حقوق وتو (Veto) استفاده کرده از امضاء خودداری می کند.

تساوی بین کلیه ایالات

مجلس کنوانسیون کلیه ایالات را مساوی شناخت، و هیچیک از ایالات دارای امتیازی که سائرین از آن محروم باشند در مقابل حکومت ملی نمی باشد. هر ایالتی باید قوانین ایالت دیگر را محترم شمرده و برسمیت بشناسد. هر یک از ایالات باید دارای حکومت جمهوری بوده و قدرت در دست ملت باشد. ملت قدرت خود را بوسیله نمایندگان که خود مستقیماً انتخاب میکنند در حکومت اعمال می نماید.

در خاتمه تصمیم گرفته شد که قانون اساسی و قوانین حکومت متحده و عهد - نامه ها قوانین عالیة کشوری باشد . هر يك از قوانین که بتصویب کنگره میرسد هر گاه با قانون اساسی منافات داشته باشد دارای رسمیت قانونی نخواهد بود .

دیوان عالی میگوید ' هر يك از افراد کشورهای متحده باید قانون اساسی و قوانینی که از طرف کنگره وضع می شود یا عهد نامه هائی که با دول خارجه منعقد میگردد بمنزله قسمتی از قوانین مخصوص ایالت خود بشناسد این طریقه اساسی روش سیاسی حکومت ملی ما می باشد ' .

علاوه بر اینها نمایندگان تشخیص دادند که هر چند وقت بیکبار باید قانون اساسی حکومت متحده بر حسب مقتضیات تغییراتی حاصل شود ؛ و معتقد بودند که باید قانون اساسی تعدیل شود ، نه آنکه قانون جدیدی وضع شود .

پیشنهاداتی که راجع به تغییراتی در قانون اساسی می شود ، ممکن است از طرف کنگره یا مجالس محلی ایالات باشد . لیکن هر گاه از طرف مجالس سه چهارم از ایالات به تصویب برسد اجرای آن قطعی خواهد بود .

تشکیل کنوانسیون با رضایت عمومی

نمایندگانی که از طرف ملت برای عضویت مجلس کنوانسیون و تدوین قانون اساسی انتخاب شده بودند باین اصل معتقد بودند که در قدم اول حکومت باید بدست ملت باشد . و باین شرط بقانون اساسی رأی دادند که پس از تصویب از طرف کنوانسیون باید به تصویب کلیه مجالس محلی ایالات هم برسد بدین جهت پس از تصویب قانون نسخه های آن به کلیه ایالات متحده فرستاده شد آنها هم افراد خود را دعوت به انتخاب نمایندگان مخصوصی جهت تصویب قانون اساسی کردند تا این نمایندگان در مجالس محلی جمع شده بر له یا علیه قانون رأی دهند .

قانون اساسی جدید کشورهای متحده پس از تصویب مجلس کنوانسیون بطور عمومی و خصوصی مورد بحث قرار گرفته و کاملاً در اطراف آن موشکافی بعمل آمد .

مجالس کنفرانس تشکیل شده ، مقالات و بیانیه ها انتشار یافت ، بهترین آنها مقالاتی بود که از طرف هامیلتون ، مادیسون و جی اعضاء مجلس مؤسسان برشته تحریر در آمد .
موضوعاتی که بیشتر در مجالس ایالات موقع تصویب مورد بحث قرار میگرفت اینها بود : شرائط عضویت و الحاق ایالات جدید به دولت متحده . موضوع قدیمی حقوق ولایات و حقوق دولت متحده مرکزی . خطر از بین رفتن آزادی ایالات و افراد ملت در صورت تشکیل يك دولت قوی مرکزی . مخالفت ها و رقابتهای ایالات . رعایت مراسم طبقاتی - میل فرار از زیر بار قیود و مراسم . جهل از احتیاجات واقعی دولت متحده مرکزی و ترس از هر چیز جدید و تازه . و هر يك از این موضوعات طرفداران و مخالفینی داشت که با حرارت تام با یکدیگر مناظره و مباحثه می کردند .

در بعضی از ایالات الحاق به اتحاد فوراً عملی شده و در بعضی دیگر مباحثات طولانی بعمل آمد . در ۲۱ ژوئن ۱۷۸۸ ایالت فیو هامپشایر نهمین ایالت برای اجرا و عمل کردن قانون اساسی آنرا پذیرفته و رسماً قبول کرد و در ۱۳ سپتامبر ۱۷۸۸ کنگره اعلامیه صادر کرد ، که ملت باید شخصی را برای ریاست جمهور انتخاب نماید . و در ۳۰ آوریل ۱۷۸۹ ژرژ واشنگتن بسمت ریاست جمهور و رئیس دولت متحده کشور های امریکا انتخاب گردید ، و حکومت کشور های متحده بموجب قانون اساسی جدید وارد مرحله عمل گردید .

تعداد قوا

مردمان کشورهای متحده با تجربیاتی که از زمان حکومت مستعمراتی که تقریباً نوعی از دیکتاتوری بود داشتند ، معتقد بودند که نباید کلیه اختیارات در دست قوه واحد باشد . قانون اساسی قدرت حکومت ملی را محدود نکرده بلکه آنرا به سه قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه تقسیم کرده ، و برای هر قوه حق نظارتی بر دو قوه دیگر شناخته است . این حق نظارت و تعادل قوا برای اطمینان و بدانجهت بود که پس از سپردن قدرت بدست حکومت از خطر استبداد فردی و جمعی جلوگیری شده باشد .

قانون اساسی سدهای دیگری برای حفظ آزادی های فردی پیش بینی کرده ، و وظائف هر يك از رشته های حکومت و دولت را تعیین میکند .

وظیفه کنگره که عبارت از دو مجلس سنا و مبعوثان است وضع قوانین می باشد. هیچیک از این دو مجلس به تنهایی نمی تواند قانونی وضع کند همچنین کنگره نمی تواند اختیار قانونگذاری را بفرد یا هیئت و اگذار کند. فقط کنگره می تواند به قوه مجریه اختیار وضع آئین نامه هائی برای اجرای قوانین مصوبه بدهد. حقوق نمایندگان سنا و مبعوثان از خزانه داری کل کشور های متحده پرداخت می گردد.

نمایندگان سنا برای ۶ سال و نمایندگان مجلس مبعوثان برای مدت دو سال انتخاب میشوند کنگره برای مواد پائین قانون وضع میکند.

حفظ و حمایت بازرگانی خارجی - اعلان جنگ - مالیات - ضرب سکه و تعیین ارزش قانونی پول کشور - تأسیس ادارات پست و راههای پستی - ثبت علائم صنعتی و اختراعات و حق تألیف، و بسیاری دیگر.

کنگره هیئت های بازرسی برای رسیدگی به اعمال ادارات کل حکومت تعیین میکند که به کار آنها رسیدگی کرده و گزارش های لازم به کنگره بدهد.

بین چیز هائی که بموجب قانون اساسی کنگره از آن ممنوع شده: ۱ - توقیف اشخاص، مگر اینکه سلامت عمومی آنها ایجاب نماید ۲ - وضع مالیات و عوارض بر صادرات ۳ - تصویب القاب و عناوین برای اشخاص.

رئیس جمهور مظهر قوه اجرائیه است

شخص رئیس جمهور مظهر قوه مجریه و اختیارات و وظائف او عبارت است از: نظارت در اجرای قوانین وضع شده از طرف کنگره - فرماندهی کل قوای بری و بحری - امضاء عهد نامه ها - امضاء احکام ترفیع افسران و انتصاب آنها - فرمان عفو یا تخفیف مجازات رئیس جمهور بمنزله نماینده رسمی کشور های متحده در برابر کلیه کشور های بیگانه است. رئیس جمهور، سیاست خارجی ممالک متحده را بکمک و همراهی وزارت امور خارجه اداره می کند. در زمان جنگ رئیس جمهور فرماندهی کل قوای مسلح ملی را دارا بوده و می تواند هر گونه تصمیمی برای دفاع کشور اتخاذ کرده و هر قسم بنخواهد امور جنگی را اداره نماید.

رئیس جمهور با اعمال حق و تو (Veto) یا رد می تواند در کار های قوه تقنینیه نظارت کند. هر قانونی که از کنگره بگذرد پیش از امضای رئیس جمهور رسمیت نخواهد داشت لیکن هر گاه لایحه را رئیس جمهور رد کرد و برای دفعه ثانی از طرف دو نلک اعضاء هر دو مجلس تصویب شد حتماً قانونی بوده و قابل اجرا خواهد بود و رئیس جمهور خواهی نخواهی باید آنرا صحه بگذارد.

سیاست و اداره داخلی کشورهای متحده بدست رئیس جمهور می باشد قانون اساسی پیش بینی میکند که رئیس جمهور باید هر چند وقت یکبار اوضاع مملکت را باطلاع کنگره رسانده و هر موضوعی را که لازم بوضع و تصویب قانون مخصوصی باشد بآنها توصیه نماید.

رئیس جمهور رئیس دولت و اداره کنند کل کشور می باشد قانون اساسی حقوق و وظائف و طرز اداره قوه مجریه را تشریح و تصریح نکرده است لیکن وجود ادارات کل و معاونینی را برای کمک رئیس جمهور لازم شمرده است.

دفتر ریاست جمهور یا کابینه وزرا

قانون اساسی پیش بینی کرده است که رئیس جمهور در باره هر امری که مربوط به کاریکی از ادارات است باید عقیده رئیس آن اداره را استفسار نماید فعلاً ده وزارتخانه که هر يك دارای يك وزیر و چند اداره مستقل کار های دولت مرکزی متحده امریکا را اداره می کند و برای امور جنگی هم نمایندگان مخصوصی تعیین می شود که همیشه احتیاجات زمان جنگ را پیش بینی می کنند.

کلیه وزراء و رؤسای کل ادارات بمنزله اداره اجرائیه ریاست جمهور هستند که مستقیماً در مقابل شخص رئیس جمهور مسئول می باشند.

هر چند حکومت کشورهای متحده متکی به قانون اساسی مدون می باشد لیکن در طرز حکومت مشخصاتی وجود دارد که در قانون پیش بینی نشده است. یکی از سازمانهای مهمی که در قانون اساسی نوشته نشده لیکن امروزه وجود داشته و اهمیت زیادی را در

اداره کشور حائز است سازمانهای احزاب سیاسی است که از ۱۷۹۶ رل مهمی را در سیاست کشور های متحده بازی کرده است .

سیاست کشور های متحده امروز بدست دو حزب مهم دموکرات و جمهوریخواهان می باشد که تقریباً از حیث اهمیت و قدرت مساوی می باشد . احزاب کوچکتری هم وجود دارد که مرام آنها توسط این دو حزب بزرگ اقتباس و عملی شده است .

انتخاب رئیس جمهور هر چهار سال یکمرتبه بعمل می آید ابتدا هر حزبی در کنگره خود کاندیدائی برای ریاست جمهور تعیین می کند اهالی ایالات یا نمایندگان مخصوص مستقیماً برای انتخاب رئیس جمهور انتخاب کرده یا آنکه مجالس محلی آنها نمایندگانی تعیین می کنند، این نمایندگان یکنفر برای ریاست جمهور و یکنفر هم برای نیابت رئیس جمهور انتخاب می کند در انتخابات ماه نوامبر اهالی بطور غیر مستقیم (یعنی با انتخاب نمایندگان انتخاب کننده رئیس جمهور) در انتخاب رئیس و نایب رئیس جمهوری شرکت می کنند این نمایندگان وابسته به هر حزبی هستند مجبور از رعایت کاندید حزب خود می باشند عده نمایندگان هر یک از ایالات به عده مجموع نمایندگان است که آن ایالت در مجلس سنا و مبعوثان دارا می باشد نمایندگان انتخاب کننده رئیس جمهور که از ۸ ایالت انتخاب می شوند رأی خود را طبق کاندیدی که از طرف حزب آنها تعیین شده نسبت به رئیس جمهور و نایب رئیس تسلیم می نمایند

قوه قضائیه

همانطور که کشورهای متحده دارای سیستم حکومت دو گانه مرکزی و ایالتی می باشد همانطور سیستم قضائی آن بدو قسمت مرکزی و ایالتی تقسیم می شود قوه قضائی برای تعادل دو قوه قانونگذاری و مجریه و وظیفه آن تأمین (عدالت در سایه قانون) است . قانون اساسی وجود دیوان عالی و محاکم دیگری را که کنگره لازم بداند پیش بینی کرده است . ایالات نیز هر یک دارای سیستم قضائی مخصوص بخود هستند و در عین حال مجبورند قانون اساسی و قوانین مصوبه کنگره و عهدنامه های دولتی را محترم شمرده و اجرا نمایند . تفسیر در باره قانون اساسی و قوانین مصوبه کنگره فقط وظیفه

کنگره مرکزی است، و مجلس های ایالات حق تفسیر در باره آنها ندارند و بدین صورت وحدت قضائی تأمین می شود.

قطع و فصل دعاوی خصوصی افراد از صلاحیت محاکم دولت مرکزی خارج عوده و فقط وظیفه این محاکم تطبیق قوانین و لوایح مصوبه با قانون اساسی و تعیین سیاست بمومی کشور می باشد.

در سالهای اخیر دیوان عالی با وجود مخالفین زیاد با قوانین جدیدی که برای تأمین زندگی اقتصادی کشور تصویب شده بوده موافقت کرد. آزادیهای کشوری را توسعه داد و راجع به اعمال قدرت صاحب منصبان کشوری تفسیر هائی کرده و حدود اختیارات آنها را معلوم نمود.

لایحه حقوق - The Bill of Rights

بعضی از ایالات قانون اساسی را بشرطی تصویب کردند که لایحه حقوق که حافظ آزادی و منافع افراد می باشد ضمیمه قانون اساسی باشد و هیچوقت این دو از یکدیگر منفک نشود. بالنتیجه یکی از اولین کار هائی که کنگره جدید انجام داد تصویب ده ماده مشهور به لایحه حقوق امریکا (American Bill of Rights) بوده بعداً این لایحه بتصویب کلیه مجالس ایالات رسید.

این ده ماده قدرت حکومت ملی را تا اندازهائی محدود کرده و حقوق افراد را با صراحت تام برسمیت می شناسد این حقوق و مصونیت ها گرچه قبلاً هم وجود داشت لیکن دین لایحه آنها را تضمین و تثبیت نموده تا بعد ها بواسطه قدرت حکومت های محلی و مرکزی از بین نرود.

لایحه حقوق کنگره را منع میکند از اینکه افراد را از بجا آوردن اعمال هر مذهبی که تابع آن هستند باز داشته و مانع شود بعبارت اخیری هر کس آزاد است که در سر تاسر خاک کشور های متحده بهر مذهبی که مایل است آزادانه عبادت کرده و هیچکس حق ندارد و او را منع کند.

دوم آزادی نطق و بیان و آزادی مطبوعات است. آزادی اجتماعی که مغل آزادی و آسایش دیگران نباشد، آزادی انتقاد از اعمال حکومت، منع از داخل شدن نظامیان و افراد ارتش به خانه و مسکن اشخاص - منع از تفتیش های بی جهت و توقیف بدون علت اشخاص و خانه ها و جرائد - کلیه اشخاص از فقیر و غنی در پناه قانون بوده و بدون حکم قانون هیچ قوه ای نمی تواند کسی را از نعمت حیوة محروم کرده یا دارائی او را ضبط کند. آزادی در برابر محاکم عدلیه و اینکه کلیه اشخاص بموجب قانون بیگناه شناخته می شود مگر اینکه تقصیر آنها در يك محکمه قانونی با ثبات برسد - مجازاتهای غیر معمولی و استنطاقهای توأم با اعمال شکنجه ممنوع می باشد.

لایحه حقون اعلام میدارد که قانون اساسی امریکا فقط نماینده از قدرت ملی بوده، و آنچه که در قانون از برای افراد منع نشده از حقوق قراردادی آنها شمرده می شود و دولت نمی تواند این آزادیها را از بین برده یا محدود کند. همچنین این لایحه برای افراد ملت کلیه حقوق و آزادیهای را که قانون اساسی دولت های متحده یا شورای ایالت منع نکرده محفوظ داشته، و آزادی و حقوق اشخاص و ایالات را از دستبرد حکومت مرکزی مصون میدارد.

اصلاحات و لوایح الحاقی بقانون اساسی

قانون اساسی که در ۱۷۸۹ به تصویب رسید و برای يك مقدمه و هفت ماده می باشد ده ماده لایحه حقوق نیز در سال ۱۷۹۱ به آن الحاق گردید پس از آن هم نظر باینکه کشور امریکا روز بروز در ترقی بوده و اوضاع آنجا تغییر می کند اصلاحات لازمه هر چند گاه بکمترتبه بوسیله لوایح و قوانین جدید انجام گرفته است.

در ۱۷۹۵ یازدهمین ماده الحاقیه به تصویب رسید. بموجب این ماده هر گاه يك نفر از اهالی یکی از ایالات بر علیه یکی دیگر از ایالات کشور های متحده نزد محکمه ای از محاکم مرکزی اقامه دعوی کند، آن محکمه صلاحیت رسیدگی به این دعوی را نخواهد داشت.

ماده ۱۲: تاریخ تصویب ۲۵ سپتامبر ۱۸۰۴ - این ماده طرز انتخاب رئیس جمهور و نایب رئیس را که تا ۱۸۰۰ معمول بود تغییر داد.

جنگ داخلی کشورهای امریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۱) اتحاد ایالات را در لوای حکومت يك قانون اساسی بطور موقت تعطیل کرد. ۱۱ ایالت جنوبی که با ایالات شمالی

مخالف شده بودند بین خود اتحادی بنام کنفدراسیون ایالات امریکا تشکیل دادند. پس از آنکه مدت چهار سال ایالات جنوبی و شمالی جنگ کردند بالاخره جنوبیها مغلوب شده و ایالات جنوب موقتاً بوسیله قوای شمالی تحت اشغال نظامی درآمد.

در سال ۱۸۶۵ سیزدهمین ماده اصلاحیه بتصویب رسید بموجب این قانون بردگی بکلی منسوخ شده و خرید و فروش برده ممنوع گردید. این همان موضوعی بود که مدت ۴ سال بین ایالات شمالی و جنوبی بر سر آن جنگ در گرفته بود.

ماده ۱۴ - (سال ۱۸۶۵) - هر يك از ساکنین ایالات علاوه بر حقوق مدنی ایالتی که در آن ساکن بود حق مدنیت کلیه کشورهای امریکا را بدست می آورد.

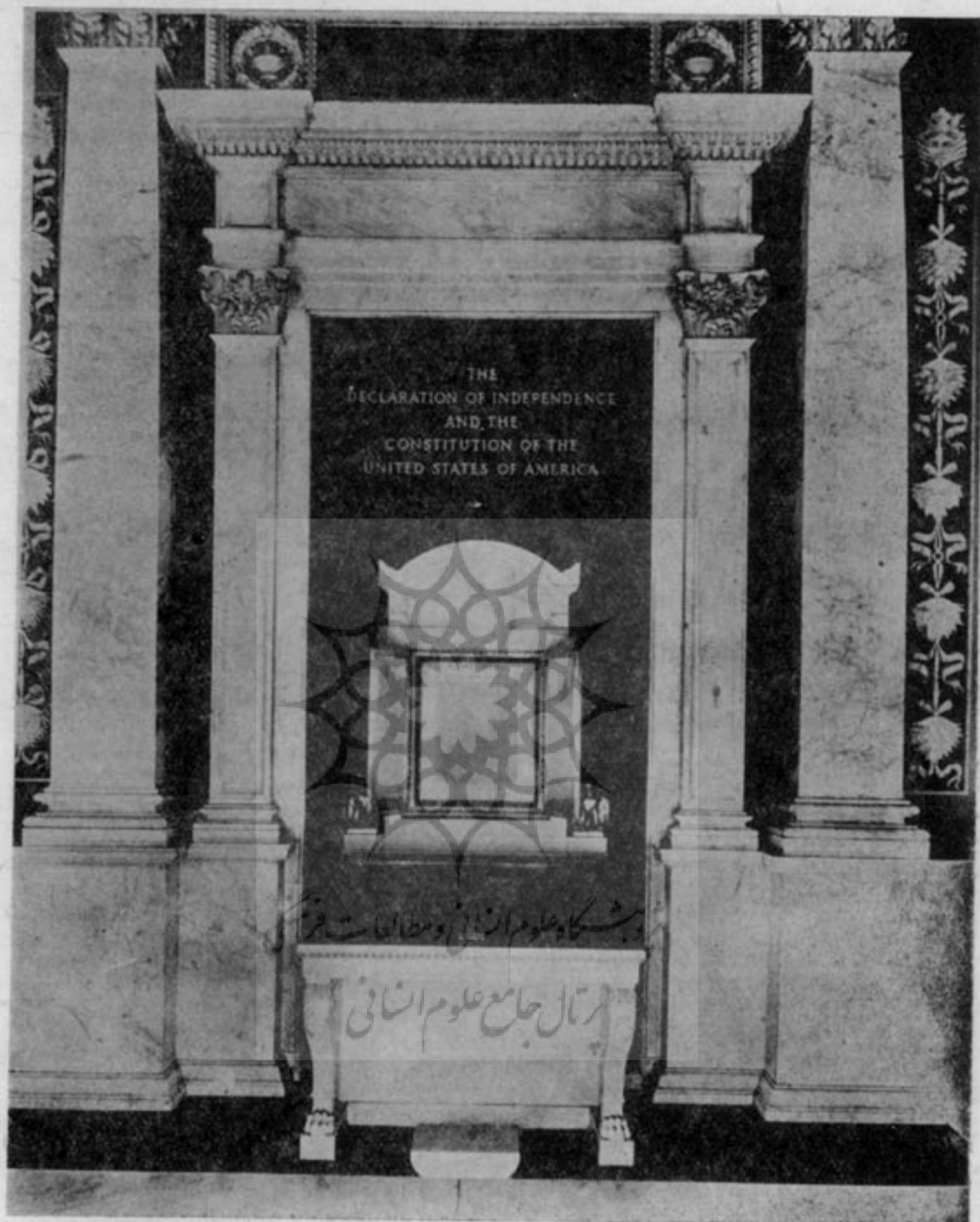
ماده ۱۵ - (۱۸۷۰) - این ماده حق رای دادن را بطور تساوی برای کلیه افراد کشورهای متحده اعم از سیاه پوست قرمز پوست یا سفید پوست هر نژاد و هر رنگ شناخته و ضمناً مقرر می دارد کسانی هم که سابقاً برده بوده حق رای را دارا می باشند. ماده ۱۶ - (۱۹۱۳) - به کنگره حق میدهد که قوانینی راجع به عوارض نسبت به کالاهای وارده وضع نماید.

ماده ۱۷ - (۱۹۱۳) - نمایندگان سنای از سوی مستقیم از طرف اهالی هر يك از ایالات انتخاب می شوند، در صورتیکه سابقاً از طرف مجالس محلی هر ایالت انتخاب می شدند. ماده ۱۹ - (۱۹۲۰) - حق رای دادن برای کلیه اشخاص اعم از زن و مرد شناخته شده.

ماده ۲۰ - (۱۹۳۳) - تاریخ شروع کار رئیس جمهور و نایب رئیس و افتتاح کنگره را تغییر میدهد، و خلع رئیس جمهور و نایب رئیس را با شرایطی پیش بینی میکند. ماده ۲۱ - (۱۹۳۳) - قانون منع الکل که در سال ۱۹۱۸ خرید و فروش و ساختن و حمل و نقل مواد الکلی بموجب آن منع شده بود در ۱۹۳۳ بنا بر نارضایتی عموم ملت لغو شد.

قانون اساسی مافوق همه

در ۱۵۰ سال اخیر تغییرات زیادی در کشورهای متحده امریکا پدید آمده، لیکن قانون اساسی بنا بر خاصیت اصلی خود که با کلیه احتیاجات ملی قابل تطبیق می باشد بحال خود باقی مانده است. و همانطور که در سال ۱۷۸۹ کلیه افراد ملت با احترام بآن نظر می کردند. امروز بهمان قسم این قانون مورد ستایش و احترام کلیه آحاد ملت می باشد.



قانون اساسی از آن لحاظ مورد تکریم همه واقع شده که در عین حال که حقوق و قدرت حکومت متحده مرکزی را تعیین می نماید، حقوق ایالات و افراد را نیز تعیین کرده و محترم می شمارد. این قانون کلیه ایالات را برای حفظ منافع فرد در دملت بیکی دیگر متحد و متصل کرده است.